

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

بررسی لیل در قرآن کریم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَيْنَهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

بررسی حدیث امام صادق علیه السلام در بیان لیل بودن وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام

بارها روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌ام؛ که حضرت ذیل سوره‌ی قدر، در مورد «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فرمودند: «اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ!». در قرآن کریم، فاطمه «اللَّيْلَةُ» است. در همین سوره‌ی قدر، فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^۲ یعنی، چه چیزی سبب شد و این امکان را به تو (رسول خاتم صلوات الله عليه وآله) داد، که بتوانی درک کنی «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» چیست؟! یعنی حقیقتِ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» دست‌نیافتنی‌ست. «وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» چه چیزی تو را، به‌درک حقیقتِ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، موفق کرد، ای رسول ما؟! این حقیقت دست‌رس‌ناپذیر است. بعد فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛

۱. فرات‌کوفی، تفسیر فرات‌کوفی، ص ۵۸۱ و مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۶۵ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۹۹.

۲. سوره‌ی قدر، آیه‌های ۱ و ۲.

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ؛ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ»^۳ بنابراین، براساس این روایت، «لَیْل» در قرآن فاطمه علیها السلام است.

کما اینکه در سوره‌ی دُخَان هم، به عبارت دیگری، دوباره به حقیقت «لَیْلَةُ الْقَدْرِ» اشاره شده است؛ که «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَیْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ؛ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ؛ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۴ فرمود: ما قرآن را قبل از تَعَيَّنِ زَمِیْنِی، قبل از اینکه در قالب لفظ و واژه و حتی قبل از اینکه در قالب مفاهیم تفکیک شده، درآید؛ حقیقتی که «هُ» است، اشاره‌ی به «هُ» شده است؛ هم در «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَیْلَةِ الْقَدْرِ» و هم در «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَیْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» آن حقیقت را، قبل از این تَعَيِّنَات و قبل از این تفکیک شدن و، در واقع، تفصیل یافتن، آن حقیقت را ما در لَیْلَه‌ی مُبَارَكَه نازل کردیم. در سوره‌ی قدر فرمود در «لَیْلَةُ الْقَدْرِ» نازل کردیم و در سوره‌ی دُخَان فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَیْلَةٍ مُبَارَكَةٍ». این لَیْلَه‌ی مبارکه وجود مقدس صدیقه‌ی اطهر، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است.

مروری بر آیات دارای واژه‌ی لیل در قرآن

سوگندهای قرآن به لیل و لیالی

بنده اینجا مروری کردم بر آیاتی از قرآن که دارای واژه‌ی «لَیْل» است و با این مروری که اکنون با هم می‌کنیم، ببینید چه نکته‌های زیبایی را می‌توان از همین راز قرآنی دریافت، که واژه‌ی «لَیْل»، اشاره‌ی به وجود مقدس صدیقه‌ی کبری علیها السلام است. اولاً «لَیْل» در قرآن، یک حقیقت بسیار گرانقدر

۳. سوره‌ی قدر، آیه‌های ۳-۵.

۴. سوره‌ی دُخَان، آیه‌های ۳-۶.

است؛ چون انسان به چیزی قسم می خورد که ارزش والایی دارد. در قرآن کریم هفت بار به «لَیْل» و یکبار به «لَیَالِی» قسم خورده شده است.

آیه ی دوم سوره ی ضحی: «وَ الضُّحٰی؛ وَاللَّیْلِ اِذَا سَجٰی؛ مَا وَّدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلٰی»^۵ «سوگند به درخشش روز و به شب، هنگامی که به نیمه می رسد.» خدا سوگند خورده و بعد فرموده است خدا تو را رها نکرده است. «ای رسول خاتم! پروردگار تو، نه تو را رها کرده و نه تو را دشمن داشته است.» ماجرای خود سوره ی «وَ الضُّحٰی» ماجرای است که اکنون نمی توانم نقل کنم، که به چه نکته ای اشاره دارد. پس، یک قسم به شب است، هنگامی که به نیمه می رسد؛ حال این را با وجود مقدس صدیقه ی کبری علیها السلام تطبیق بدهید. می بینید مراحل مختلف زندگی حضرت مورد قسم است. وقتی که عمر هجده ساله ی فاطمه ی زهرا علیها السلام، به نیمه می رسد، ازدواج فاطمه و امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق می افتد.

آیه ی دیگر، سوره ی مدثر، آیه ی سی و سه: «وَ اللَّیْلِ اِذَا اَدْبَرَ؛ وَ الصُّبْحِ اِذَا اَسْفَرَ؛ اِنَّهَا لِاِخْدٰی الْكُبْرِ»^۶ «سوگند به لیل، هنگامی که پشت می کند و سوگند به صبح، هنگامی که چهره می گشاید؛ که هر آینه او یکی از حقایق بزرگ است». "او یکی از حقایق بزرگ است"، هم می تواند اشاره به قرآن باشد؛ که قرآن، حقیقت بزرگ است و هم می تواند اشاره به خود «لَیْل» باشد؛ وقتی که فاطمه علیها السلام برای انتقال از این عالم از آن پشت می کند.

۵. سوره ی ضحی، آیه های ۱-۳.

۶. سوره ی مدثر، آیه های ۲۳-۳۵.

آیه‌ی هفدهم سوره‌ی تکویر: «وَ اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ؛ وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ؛ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ»^۷ «سوگند به شب، هنگامی که تاریکی را از سر می‌گیرد و سوگند به صبح، هنگامی که نفس تازه می‌کند و تنفس می‌کند؛ که هرآینه آن، سخن رسول کریم و فرستاده‌ی صاحب‌کرامتی است». اینکه معنی پوشیدن «لَیْل» هم، هنگامی که تاریکی را دوباره از سر می‌گیرد، چیست؛ شاید در آیات بعدی که وارد خود آیات «لَیْل» شدیم؛ به آن بپردازم. اینجا می‌خواهم تنها سوگندها را بگویم که جلالت قدر «لَیْل» در قرآن و وضعیتهای مختلف «لَیْل»، که مورد قسم قرار گرفته است را متوجه شویم.

آیه‌ی هفدهم سوره‌ی انشقاق: «وَ اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ؛ وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ؛ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»^۸ «سوگند به لیل و آنچه که فرومی‌پوشاند و سوگند به ماه، هنگامی که بدر تمام می‌شود؛ که هرآینه آنچه در آمت‌های گذشته بوده است، گام‌به‌گام در شما هم این اتفاق خواهد افتاد.» آنچه که شب او را فرومی‌پوشاند؛ «وَ اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ» «سوگند به شب و آن چه که شب او را فرومی‌پوشاند».

آیه‌ی چهارم سوره‌ی فجر: «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ؛ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ»^۹ «سوگند به شب، هنگامی که سیرمی‌کند؛ آیا در او، قسمی برای افراد خردمند نیست؟!» یا «در او، قسمی برای افراد خردمند وجود دارد؟!»

آیه‌ی چهارم سوره‌ی شمس: «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»^{۱۰} «سوگند به شب، هنگامی که پرده بر خورشید می‌پوشاند.»

۷. سوره‌ی تکویر، آیه‌های ۱۷-۱۹.

۸. سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی ۱۷-۱۹.

۹. سوره‌ی فجر، آیه‌های ۴ و ۵.

آیات یک و دو سوره‌ی لیل: «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ؛ وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ»^{۱۱} «سوگند به لیل و شب هنگامی که پرده می‌افکند و سوگند به نهار و روز، هنگامی که جلوه‌گری و تجلی می‌کند.»

اینها، هفت سوگندی است که به «لیل» خورده شده است. تا کنون حالات مختلف شب را دیدید که مورد سوگند خدای متعال است. اما در یک آیه هم «لیل» جمع بسته شده است.

آیات نخستین سوره‌ی فجر: «وَ الْفَجْرِ؛ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ»^{۱۲} «سوگند به فجر (سپیده‌دم) و سوگند به شب‌های ده‌گانه». شب‌های ده‌گانه، ده مرحله و درواقع، ده جلوه و مرتبه‌ی تحقق لیل در این عالم یا در عوالم وجود است.

این مرور کلی فقط به این خاطر بود که بگوییم لیل در فرهنگ قرآن، حقیقت عظیم است، که هر یک از حالات مختلف آن، مورد سوگند پروردگار کریم است.

جنبه‌های تکوینی لیل

نکته‌ی دیگری که در جنبه‌های تکوینی از آیات قرآن، به دست می‌آید؛ با خواندن آیات به آن اشاره می‌کنم.

تقدّم لیل بر نهار و هویت مستقل داشتن لیل از نهار

۱۰. سوره‌ی شمس، آیه‌ی ۴.

۱۱. سوره‌ی لیل، آیه‌های ۱ و ۲.

۱۲. سوره‌ی فجر، آیه‌های ۱ و ۲.

آیهی سی و سوم سورهی انبیاء: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ»^{۱۳} «خدا کسی است که شب، روز، خورشید و ماه را آفرید». خوب، ببینید، وقتی می‌خواهد مراتب خلقت را بیان کند، اول چه چیزی را می‌گوید؟! «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ» در مراتب خلقت خلقت لیل، مقدم است و برخلاف آنچه بعضاً شاید تصور شود، که «لَیْل» عَدَمُ النَّهَارِ است؛ یعنی هنگامی که روز نباشد، شب است؛ شب، حقیقت مستقلی نیست و وقتی که روز تاریک شود، شب می‌شود؛ خود شب یک وجود و یک حقیقت علی‌حدّه است که خلق می‌شود. این‌طور نیست که روز باشد؛ روز که تاریک شد، اسم آن شب بشود؛ پس یعنی شب خلقتی ندارد! در حالی که این‌طور نیست. شب یک خلقت علی‌حدّه دارد و این خلقت علی‌حدّه، بر خلقت نهار، شمس و قمر مقدم است. هریک از اینها بحث‌های تفسیری مفصلی دارد. من فقط می‌خواهم اشاره کنم و همان‌طور که عرض کردم، سرنخ را دستتان بدهم. امیدوارم دنبال بحث تطبیق «لَیْل» با وجود مقدّس صدیقه‌ی اطهر بروید؛ آن‌وقت ببینید چه نکته‌هایی در این آیات وجود دارد.

آیهی دوازده سورهی اسراء: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً»^{۱۴} در قرآن همیشه لیل مقدم بر نهار آمده و این موضوع خیلی جالب است. درحالی‌که، صورت‌ظاهر، ما باید ابتدا روز را ببینیم، بعد که حالات روز به پایان می‌رسد، شب فرا می‌رسد؛ ولی در فرهنگ قرآن و در آیات آن همیشه «لَیْل» مقدم بر «نَهَار» آمده است. همین نکته را در همه‌ی آیاتی که می‌خوانیم، می‌بینید. فرمود: «ما هم «لَیْل» (شب) و هم «نَهَار» (روز) را دو آیه قرار دادیم». پس

۱۳. سورهی انبیاء، آیهی ۳۳.

۱۴. سورهی اسراء، آیهی ۱۲.

اینجا هم می‌توان فهمید خود «لَیْل» در برابر «نَهَار» هویتِ مستقلی دارد و به‌طور علی‌حدّه یکی از آیات الهی است؛ همان‌طور که «نَهَار» آیه‌ای از آیات الهی است. سپس فرمود: «فَمَحْوُنَا آيَةَ اللَّيْلِ» «ما آیه‌ی و نشانه‌ی «لَیْل» را محو کردیم.» «وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً» «و آیه و نشانه‌ی «نَهَار» (روز) را قابل‌رؤیت و بصیرت قرار دادیم.» «لَیْل» آیه و نشانه‌ی پوشیده‌شده، رازآلود، پوشانده‌شده و مخفی‌شده‌ی حضرت حق است. «لَیْل» و «نَهَار»، هر دو، آیات الهی‌اند؛ اما، خدا یکی از آن آیه‌ها را مخفی کرد؛ «فَمَحْوُنَا آيَةَ اللَّيْلِ». اینکه می‌گوییم فاطمه‌ی زهرا علیها السلام راز دستگاه الهی و سرّ الله است؛ همین است؛ یعنی در عین اینکه آیه است، اما آیه‌ی مکتوم، محو شده، پوشانده شده و آیه‌ای سرشار از اسرار است.

آیه‌ی سی‌وهفت سوره‌ی یاسین: «وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ»^{۱۵} سَلَاخِی که می‌دانید یعنی چه؟! پوست گوسفند را که از تنش می‌کنند، می‌گویند او را سَلَاخِی کردند. گویا برتن «لَیْل» جامه‌ای پوشانده می‌شود و به «نَهَار» تبدیل می‌شود. می‌فرماید: «آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ» «لَیْل» «آیه‌ای برای آنها است». «نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ» «که ما روز را از تن آن بیرون می‌آوریم». «فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ» «آن وقت آنها در شرایط تاریکی و ظلمت واقع می‌شوند». پس اصل، «لَیْل» است.

همچنین در آیه‌ی سی‌وهفت سوره‌ی فُصِّلَتْ، اولاً می‌توانید تقدّم «لَیْل» بر «نَهَار»، «شَمْس» و «قَمَر» را ببینید و ثانیاً اینکه «لَیْل» یک شخصیت علی‌حدّه است. «وَ مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ»^{۱۶} «از آیات خدای متعال یکی «لَیْل»، یکی «نَهَار»، یکی «شَمْس» و دیگری «قَمَر» است». هریک

^{۱۵}. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۷.

^{۱۶}. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۷.

از این‌ها، آیاتِ علی‌حدّه‌ای هستند. اکنون تطبیقِ اینکه «قَمَر»، قمرِ ولایت و «شَمْس»، شمسِ نبوت است. اینها حالا، هریک از اینها، دیگر اینها بحث‌هایی است که باید بازش کرد و ما نمی‌خواهیم الآن وارد آن بحث‌های تفصیلی‌اش شویم.

یا در آیه‌ی بیست‌ونهم سوره‌ی نازعات؛ فرمود: «وَ أَغْطَشَ لَيْلَهَا وَ أَخْرَجَ ضُحَاهَا»^{۱۷} «خدا لیل (شب) او را، تیره کرد و روشنایی او را هم بیرون آورد و آشکار کرد»؛ شب، تیره، محو و مخفی شده است.

آیاتِ متعدّدی داریم که اشاره می‌کند به اینکه، این دو واقعیت، یعنی شب و روز، در هم تداخل پیدا می‌کنند:

ولوح و تداخل لیل و نهار

آیه‌ی بیست‌وهفت سوره‌ی آل‌عمران: «تُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ»^{۱۸}

شصت‌ویک سوره‌ی حج: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ»^{۱۹}.

آیه‌ی بیست‌ونهم سوره‌ی لقمان: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ»^{۲۰}.

آیه‌ی سیزده سوره‌ی فاطر و آیه‌ی شش سوره‌ی حدید: «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ»^{۲۱}.

^{۱۷}. سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲۹.

^{۱۸}. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۲۷.

^{۱۹}. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۶۱.

^{۲۰}. سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۲۹.

اینها، بحث وُلُوج، یعنی تداخل، یعنی درهم فرورفتن. «خدای متعال شب و روز را درهم فرومی‌برد».

و آیهی پنج سورهی زُمر: «يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ»^{۲۲} تکویر به معنی، درواقع، درهم پیچیدن است؛ «خدای متعال، شب را در روز و روز را در شب، درهم می‌پیچد». اینها در جنبه‌های تکوینی لیل و نهار است، که گفتم می‌خواهم آیات آن را بخوانم.

آمد و شد لیل و نهار

آیات فراوانی به عنوان، درواقع، مظاهر و آیات پروردگار متعال برای خردمندان معرفی شده است:

آیهی شش سورهی یونس: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ»^{۲۳} برای اهل تقوا، این آمد و شد لیل و نهار، آیاتی است.

آیهی صد و شصت و چهار سورهی بقره: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ ...» تا می‌رسد به این که «... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^{۲۴}.

۲۱. سورهی حدید، آیهی ۶.

۲۲. سورهی زمر، آیهی ۵.

۲۳. سورهی یونس، آیهی ۶.

۲۴. سورهی بقره، آیهی ۱۶۴.

آیهی صدونود سورهی آل عمران: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»^{۲۵}.

آیهی هشتاد سورهی مؤمنون: «وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اَلْاِخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ».

و آیهی پنج سورهی جاثیه: «وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...» پایان آیه می گوید: «... آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^{۲۶}.

پس، آمدوشدِ لیل و النهار و باز با تقدّم اینکه لیل قبل از نهار آمده است. همان طور که عرض کردم، در اغلب آیات قرآن کریم، وجود لیل مقدّم بر نهار است. تعبیری که، در گذشته اشاره کردیم، که مقام عصمت کلیه و مطلقه‌ی الهیه، بر مقام ولایت مطلقه‌ی کلیه‌ی الهیه مقدّم است و او بر مقام نبوت ختمیه مقدّم است و لذا لیل، مقدّم است.

آیهی چهل و چهار سورهی نور: «يُقَلِّبُ اللهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»^{۲۷} «خدا شب و روز را دگرگون می کند. در این تقلّب، حالی به حالی شدن و دگرگون شدن شب و روز، عبرتی است برای کسانی که صاحب بصیرتند. لیل، مقدّم است.

هفتاد و یکم سورهی قصص: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَمْ فَلَا تَسْمَعُونَ»^{۲۸}؛ می گوید: ببینید، می بینید، اگر خدای متعال، شب را سرمد و جاودانه قرار

^{۲۵}. سورهی آل عمران، آیهی ۱۹۰.

^{۲۶}. سورهی جاثیه، آیهی ۵.

^{۲۷}. سورهی نور، آیهی ۴۴.

^{۲۸}. سورهی قصص، آیهی ۷۱.

بدهد تا روز قیامت، غیر از الله چه خدایی است که بتواند روشنایی برای شما بیاورد، اگر خدا شب را همیشگی کند؟! «أَفَلَا تَسْمَعُونَ» گوش نمی‌دهید به این حقیقت!؟

آیه‌ی چهل سوره‌ی یاسین: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ»^{۲۹} باز ببینید، لیل، مقدم است. «نه سزاوار است برای خورشید، که به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد»؛ «و لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ».

بحث پوشش شب

آیه‌ی پنجاه و چهار سوره‌ی اعراف: «يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا»^{۳۰} «روز را به شب - که شتابان آن را می‌طلبد - می‌پوشاند».

آیه‌ی سوم سوره‌ی رعد: «يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^{۳۱} «روز را به شب می‌پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد». اشاره می‌کند به اینکه شب فروپوشاننده است و روز را می‌پوشاند.

آیه‌ی بیست و هفت سوره‌ی یونس: «كَانَمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا»^{۳۲} تمثیل می‌زند: «گویا چهره‌های آنها با قطعه‌ای از لیل (شب تاریک) پوشانده شد». این آیه هم پوشاندگی لیل را اشاره کرده است.

^{۲۹}. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۴۰.

^{۳۰}. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۴.

^{۳۱}. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳.

و نهایتاً، آیهی بیست سورهی مُزَّمِّل: «وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ»^{۳۲} «خدای متعال لیل و نهار را تقدیر می‌کند». یا «خدای متعال اندازه‌گذاری می‌کند و می‌سجد و بر اندازهی لیل و نهار را آگاه و مشرف است».

آیاتی در بیان نقش لیل

اینها آیاتی بود که در جنبه‌ی خلقت و تکوینی لیل و نهار آمده است. یکسری آیه داریم که به نقش لیل اشاره کرده است:

شب وسیله‌ی پوشش انسان

آیهی چهل و هفت سورهی فرقان: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُبَاتًا»^{۳۴} «خدا کسی است که لیل را برای شما لباس و خواب را برایتان مایه‌ی آرامش قرار داد». لباس خاصیت‌هایی دارد: اولاً انسان را می‌پوشاند. وقتی انسان بر تن دارد، برهنه نیست. او را از گرما و سرما محافظت می‌کند. انسان را زینت می‌دهد و زیبا می‌کند. لیل، که حقیقت آن وجود مقدس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است، همه‌ی این نقش‌ها را دارند؛ هم عیوب دوستانشان را می‌پوشانند؛ هم آنها را محافظت می‌کند؛ روایاتی در گذشته برایتان خوانده‌ایم، اشاره کردیم که فردای قیامت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دوستان و

۳۲. سورهی یونس، آیهی ۲۷.

۳۳. سورهی مزَّمِّل، آیهی ۲۰.

۳۴. سورهی فرقان، آیهی ۴۷.

شیعیان‌شان را از آتش حفظ می‌کنند و هم حقیقت فاطمی، دوستان حضرت زهرا علیها السلام را زینت می‌دهد.^{۳۵}

آیه‌ی ده سوره‌ی نبا هم فرمود: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا»^{۳۶}.

شب مایه‌ی آرامش انسان

شب، آرام‌بخش و نقطه‌ی سکون و به آرامش رسیدن است. همه‌ی تقلاها و تلاطم‌ها، با وصول لیل، به آرامش مبدل می‌شود.

آیه‌ی نودوشش سوره‌ی انعام: «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا»^{۳۷} «خدا شکافنده‌ی صبح‌هاست و او لیل را مایه‌ی سکون و آرامش قرار داد».

آیه‌ی شصت‌وهفت سوره‌ی یونس: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا»^{۳۸} «او (خدا) کسی است که لیل را قرار داد تا در او به سکونت و آرامش برسید و خدا روز را دیدنی و مشاهده‌کردنی قرار داد». «سَالِكِ إِلَى اللَّهِ بَارِعًا»^{۳۹} با رسیدن به حقیقت فاطمی علیها السلام، تمام تقلاهایش به آرامش مبدل می‌شود و به مقصد رسیده است.

^{۳۵}. آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، مجموعه مباحث سیره و تاریخ، آشنایی با شخصیت و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترک‌های مقام و جایگاه حضرت-زهرا علیها السلام - در قیامت، شفاعت حضرت زهرا علیها السلام هم اکنون نیز هست، کرامات حضرت زهرا علیها السلام و نزول جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام.

^{۳۶}. سوره‌ی نبا، آیه‌ی ۱۰.

^{۳۷}. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۶.

^{۳۸}. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۶۷.

آیهی هشتادوشش سورهی نمل: «أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا»^{۳۹} «آیا نمی بینند که ما لیل را برای این قرار دادیم که در آن آرامش بگیرند و روز را دیدنی قرار دادیم؟!»

آیهی شصت و یک سورهی غافر: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا»^{۴۰}. همهی این آیات، به همان نکته اشاره می کند.

آیهی هفتاد و سه سورهی قصص: «وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»^{۴۱} از رحمت پروردگار است که برای شما هم شب را و هم روز را قرار داد؛ برای اینکه در شب، آرامش پیدا کنید و در روز، فضل الهی را بجوید و در پی فضل الهی باشید.

و آیهی هفتاد و دو سورهی قصص: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ»^{۴۲} «بگو آیا می بینید که اگر خدای متعال روز را تا روز قیامت برای شما سرمدی و جاودانگی قرار دهد، چه خدایی غیر از الله وجود دارد که بتواند شب را برای آرامش یافتن شما، برای شما بیاورد؟! آیا نگاه نمی کنید و بصیرت نمی یابید؟!»

پس شب، مایهی آرامش است؛ وجود مقدس صدیقهای طاهره عليهم السلام مایهی آرامش کل هستی است؛ آرام بخش است؛ کسی به حقیقت فاطمی راه پیدا کند و با آن ارتباط پیدا کند، به سکون، آرامش و

^{۳۹}. سورهی نمل، آیهی ۸۶.

^{۴۰}. سورهی غافر، آیهی ۶۱.

^{۴۱}. سورهی قصص، آیهی ۷۳.

^{۴۲}. سورهی قصص، آیهی ۷۲.

سکینه می‌رسد؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ»^{۴۳}. این سکینه، سکون و آرامش، میوه‌ی ارتباط با حقیقتِ فاطمی عَلَيْهَا السَّلَام است.

لیل محلّ منام

آیه‌ی بیست‌وسوم سوره‌ی روم: «وَمِنَ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ»^{۴۴} خدای متعال فرمود: از آیات و نشانه‌های خدا، خوابیدنِ شما در شب و روز و در پی فضل الهی بودن است؛ که این در پی فضل الهی بودن عمدتاً به نهار، و منام به لیل برمی‌گردد. از آیات پروردگار خواب است که خدای متعال در شب مقدر می‌کند. خواب؛ «التَّوْمُ»...

لیل محلّ توقی

و آیه‌ی شصت سوره‌ی انعام: «وَ هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَ يَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ كُنْتُمْ بِمَا تَعْمَلُونَ»^{۴۵} «این خداست که شما را در شب به‌طور کامل قبض می‌کند، می‌گیرد و قبض روح می‌کند، و خدا به آنچه که در روز می‌کنید هم آگاه است. سپس شما را در روز برمی‌انگیزاند» «لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى» «به‌خاطر اینکه اجل مسما‌ی شما طی شود». «ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ» «سپس رجوع و بازگشت شما نزد خداست». «ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» «آنگاه خدا به شما

۴۳. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴.

۴۴. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۳.

۴۵. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۶۰.

خبر می‌دهد؛ شما را از آنچه که عمل کردید، باخبر می‌کند و به شما می‌گوید در شب و روز عمرتان چه کردید.»

پس لیل، هم محلّ منام و هم محلّ توقی است. در واقع به حالت قبض روح به طور کامل را چه کردید می‌گویند؛ «اللّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا»^{۴۶}

منام و توقی در لیل اتفاق می‌افتد. با رسیدن به حقیقت فاطمی علیها السلام، سالیک‌الی‌الله به موت نایل می‌شود؛ چون «تَمُوتُونَ كَمَا تَمُوتُونَ وَ تَبْعُونَ كَمَا تَسْتَقِضُونَ»^{۴۷} «همان‌گونه که می‌میرید، به موت نایل می‌شوید؛ همان‌گونه که از خواب بیدار می‌شوید، برانگیخته و محشور می‌شوید.» این حدیث شریف، منام را با موت و بیدار شدن را از خواب با حشر اموات، قرین دانسته و تشبیه کرده است؛ پس رسیدن به حقیقت فاطمی علیها السلام، رسیدن به حقیقت موت است و انسان، با ارتباط با حقیقت فاطمی علیها السلام به حقیقت موت نایل می‌شود.

همان‌طور که گفتم، هریک از اینها بحث‌هایی دارد؛ که چون آیات خیلی زیاد است و من تازه، تمام آنها را هم یادداشت نکرده‌ام؛ بلکه تعدادی از آنها را یادداشت کرده‌ام؛ که تنها اشاره کنم اگر کسی عمیق و باحوصله، وارد این بحث شود؛ که لیل در قرآن کریم، وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره علیها السلام است، نکته‌های بسیار زیادی درمی‌آید و چقدر نکته‌های عظیم را از حقایق عوالم هستی به انسان می‌آموزد!

^{۴۶}. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۴۲.

^{۴۷}. فیض‌کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۱۱ و تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۸ و کبیرمدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۳ و بانوی اصفهانی، سیده‌نصرت‌امین، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

شب ظرف زمانی وقوع معراج

و اما لیل در آیهی نخست سورهی اسراء: اولاً اسراء به معنی سفری است که در شب انجام می شود. عرب به شب روی اسراء می گوید. «سُحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا»^{۴۸} «منزه است خدایی که عبد خود را به اسراء و سفر شبانه برد». مقام عبودیت مطلق هم، عبدالله یا عبدالرحمان نیست؛ بلکه «عَبْدِهِ» است. این عبودیت قبل از تعیین اسمائی و برای مرتبهی بالاتر از آن است. آیه می فرماید: «لَيْلًا»؛ یعنی شب، مرکب سفر معراج رسول الله ﷺ است. این معراج، به نیروی فاطمی عليها السلام برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام شده و در بستر حقیقت فاطمی عليها السلام معراج پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله معراج رخ داده است. «سُحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» سفری که از مسجدالحرام شروع و به مسجدالاقصی منتهی شد و پس از مسجدالاقصی مرحلهی دوم آن آغاز و به «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى»^{۴۹} منتهی شد؛ که در سورهی نجم اشاره شده است؛ بستر این سفر، لیل است. هر که هم می خواهد سفر معراج را طی کند، باید در ارتباط با حقیقت فاطمی عليها السلام باشد، و الا راه به روی او بسته است؛ زیرا معراج در شب، اتفاق می افتد.

شب بستر نجات از عذاب

^{۴۸}. سورهی اسراء، آیهی ۱.

^{۴۹}. سورهی نجم، آیهی ۱۴.

آیهی بیست و سوم سورهی دخان: «فَاسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ»^{۵۰} اسراء، به معنای شب‌روی است. «ای موسی! (قوم خودت) بندگان و عباد مرا، شب حرکت و سیر بده؛ چرا که شما مورد تعقیب هستید و دستگاه فرعون، شما را تعقیب می‌کند». وقتی موسی عليه السلام خواستند، بنی‌اسرائیل را با خود ببرند؛ امر آمد که این کار باید در بستر شب، انجام شود. پس، اگر سالک بخواهد از فرعون نفس خود نجات پیدا کند، در حقیقت فاطمی عليه السلام باید این سیر را انجام دهد، تا از گزند شیطان و نفس در امان بماند.

آیهی هشتاد و یک سورهی هود: «فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ»^{۵۱}

در همین زمینه، آیهی شصت و پنج سورهی حجر: «فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَ امْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ»^{۵۲} هر دو آیه، راجع به لوط پیامبر عليه السلام است؛ که وقتی که امر شد خانواده‌ات را از این قوم بیرون ببر؛ عذاب می‌خواهد نازل شود. اینجا هم فرمود چه زمانی این کار را انجام بده؟! «فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ» در بخشی از شب، خانواده و اهل خودت را بیرون ببر! و جز همسر تو، هیچ‌کس به قومی که شما آن را ترک می‌کنید، روی نمی‌کند.

همسر لوط عليه السلام در عین اینکه همسر پیامبر بود؛ اما زن شقی‌بی بود و روی به همان قوم لوط عليه السلام داشت. وقتی میهمان‌های لوط عليه السلام بر او وارد شدند، که ملائکه‌ی الهی عليه السلام بودند؛ زن لوط عليه السلام برای مردم آلوده و فاسد قوم خبر برد و جاسوس آنها در خانه‌ی پیامبر خدا عليه السلام بود. اینها نکته‌های

^{۵۰}. سورهی دخان، آیهی ۲۳.

^{۵۱}. سورهی هود، آیهی ۸۱.

^{۵۲}. سورهی حجر، آیهی ۶۵.

عبرت آموزی است! خدا برای من و شما قصه نگفته است! خواسته بگوید ممکن است زنی، زن پیغمبر ﷺ باشد؛ اما جاسوس قوم لوط ﷻ در داخل خانه‌ی پیامبر باشد و مأموریت آنها را انجام دهد! تأمل برانگیز است! خداوند در آیات متعددی به ماجراهای زن لوط ﷻ و زن نوح ﷻ، اشاره کرده است؛ خواستم بگویم در هردو این آیات، امر شده است برای رهایی از قومی که در معرض عذابند، در شب بیرون برو. «فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ». پس، اگر کسی بخواهد از جاذبه‌ی دنیا و فضای گناه رها شود و از وادی نفس نجات پیدا کند، باید شب‌روی کند؛ و هنگامی هم که در شب می‌رود، رویش را دوباره به سمت گناه و دنیا برنگرداند. طوری نباشد که تو می‌روی، اما توجهی هم به سمت دنیا، نفس و معصیت داشته باشی. بستر نجات از عذاب هم لیل و ارتباط با حقیقت فاطمی ﷻ است.

آیه‌ی پنجاه و یک سوره‌ی بقره: «وَ إِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً»^{۵۳} «هنگامی که ما با موسی چهل «لَیْلَة» (شب) را وعده کردیم و قرار گذاشتیم». موسی، چهل شبانه‌روز، مهمان خدا بود؛ اما روز، گویا به حساب نمی‌آید! در وادی لقاءالله، روز به حساب نمی‌آید و شب، ملاک است.

آیه‌ی صد و چهل و دوم سوره‌ی اعراف، که به همین موضوع اشاره می‌کند: «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِيْنَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً»^{۵۴} ببینید، هم‌اش «لَیْلَة»؛ «لَیْلَة» است؛ یعنی چهل‌ه‌ای که موسی ﷻ برای رسیدن به، میقات، ملاقات و تکلم با پروردگار طی می‌کند، در بستر شب و در ارتباط با حقیقت فاطمی ﷻ است.

^{۵۳}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۱.

^{۵۴}. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۴۲.

آیهی ده سورهی مریم: خطاب به زکریای پیامبر علیه السلام است. چند جلسهی قبل هم به مناسبت دیگری، به این آیه اشاره کرده‌ام: «آيَتِكَ اَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا»^{۵۵} هنگامی که زکریا علیه السلام از خدا خواست خدایا! فرزندی به من بده؛ که «بِرُثْيٰى»^{۵۶} از من ارث ببرد و میراث نبوتم به او منتقل کنم. خدای متعال به او وعده داد این کار را می‌کند؛ و در برابر تعجب او و همسرش، که هر دوی ایشان پیر بودند و از سنّ فرزنددار شدنشان گذشته بود؛ به آنها فرمود خدا آنچه که اراده کند، واقع می‌شود و به ایشان به فرزندی به نام یحیی علیه السلام بشارت داد. سپس فرمود: «رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً» خدایا! نشانه و آیه‌ای برای من قرار بده. در این مورد خداوند فرمود: «آيَتِكَ اَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا»^{۵۷} «آیه و نشانه‌ی تو این است که سه شب با احدی از مردم سخن نمی‌گویی؛ در حالی که سالم هم هستی و سلامت داری». «سَوِيًّا» در وجود زکریا علیه السلام اشاره به چه حقیقتی است. صورت ظاهرش این است که یعنی مریض و لال نیستی و می‌توانی حرف بزنی؛ اما این «سَوِيًّا» به حقایق روحانی دیگری هم اشاره دارد. علی‌ای حال، برای تولّد یحیی، این فرزند مظهر حیات الهی و حَیِّ قَيُّوم، برای تولّد دل زنده‌ی سالک آیه چیست؟! «اَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ». اینجا هم توجه کنید در بستر لیل، این آیه قرار داده شد.

در داستان سیر حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام همان‌طور که به‌خاطر دارید، حضرت ابراهیم علیه السلام اوّل، ستاره‌پرست‌ها را دیدند و گفتند: «هَذَا رَبِّي» اما هنگامی که ستاره غروب و افول کرد، فرمودند: «لا

^{۵۵}. سورهی مریم، آیهی ۱۰.

^{۵۶}. سورهی مریم، آیهی ۶.

^{۵۷}. سورهی مریم، آیهی ۱۰.

أَجِبُّ الْآفَلِينَ»^{۵۸}. سپس ماه پرست‌ها را دیدند و فرمودند: «هَذَا رَبِّي». سپس بالاخره به خورشیدپرست‌ها رسید و فرمود: «هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ»^{۵۹}؛ اما نهایتاً فرمودند: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا»^{۶۰}

آیات هفتادوپنج تا هفتادونه^{۶۱}؛ شروع سیر ابراهیم خلیل عليه السلام در شب است. دو مرحله از این سیر، در شب طی می‌شود؛ «وَكَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ؛ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» وقتی لیل او را پوشاند، «رَأَى كَوْكَبًا» در سیرِ آنفسی کوكب یا نجم را دیدن، معنای خاصی دارد. به‌خاطر دارم در بحث‌های شرح کتاب مصباح‌الهدی، در رابطه با یکی از عبارات آن کتاب به این موضوع اشاره کرده‌ام؛ که در این سیر، درخشش ستاره و نجم، سپس ملاقات قمر، همچنین دیدن خورشید و طلوع آن و نهایتاً عبور از همه‌ی آنها و به حقیقت توحید نائل‌شدن، چه معنایی دارد. اکنون می‌خواهم بگویم که هم سیر آفاقی ابراهیم خلیل و هم سیر انفسی خود ابراهیم عليه السلام و هر کس که مسیر ایشان را طی می‌کند؛ «مَلَّةً أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ»^{۶۲} سیر همه‌ی آنها از لیل آغاز می‌شود؛ سالک‌الی‌الله تا با حقیقت لیل آشنا و مرتبط نشود، تجلیات این مسیر برایش آغاز نمی‌شود. «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفَلِينَ» این یک مرحله، که کوكب و نجم را دید. «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا» در مرحله‌ی دوّم، چیست؟! ماه را دید که می‌درخشد.

^{۵۸}. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۶.

^{۵۹}. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۷.

^{۶۰}. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۹.

^{۶۱}. سوره انعام

^{۶۲}. سوره حج، آیه ۷۸

«قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» در مرحله‌ی سوّم است که به‌روز راه پیدا می‌شود؛ «فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَارِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ؛ إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^{۶۳}. پس، ظهور تجلیات در قلب سالک، در لیل اتفاق می‌افتد. شروع آن در لیل است و در حقیقت دو مرتبه‌ی آن در لیل واقع می‌شود.

جایگاه لیل در عبادات و سلوک عبادی

همچنین لیل را در عبادات و سلوک عبادی ببینیم. یکسری آیه برایتان بخوانم.

آیه‌ی هفتادونه سوره‌ی اسراء: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^{۶۴} قرآن به پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ» «از لیل، تَهَجُّد اختیار کن!». «نافِلَةً لَّكَ» «به منزله‌ی یک عمل مستحب و از سر رغبت و طوع» و در حقیقت «به‌مثابه هدیه، نه به‌منزله‌ی انجام فریضه». «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» «چه‌بسا که خدا تو را به‌مقام محمود نائل گرداند». مقام محمود هم، بنابه‌روایات، مقام شفاعت پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که پیامبر از شَفَعَا شَفَاعَتِ می‌کند. پس از آن تازه، کسانی که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آنها شفاعت می‌کند، آنها هم صاحب‌شفاعت می‌شوند. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از انبیاء، شهدا و کسانی شفاعت می‌کند، که خودشان پس از اینکه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آنها شفاعت کردند، در دستگاه‌خدا صاحب‌شفاعت می‌شوند و آنها از دیگران شفاعت می‌کنند. قرآن فرمود: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ». «تَهَجُّد» هم به این معنی نیست که مثلاً شما

^{۶۳} سوره‌ی انعام، آیات ۷۵-۷۹.

^{۶۴} سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۹.

یک ساعت به اذان صبح بلند شوید، نمازشبی بخوانید، ذکر، دعا و تلاوت قرآنی داشته باشید. اسم این تَهَجُّد نیست! «تَهَجُّد» یعنی هنگامی که می خوابی، نیم ساعت، سه ربع بخوابی؛ بعد بلند شوی، کمی قرآنی بخوانی، ذکر بگویی و دو رکعت نمازشبت را بخوانی. پس از آن دوباره بخوابی. نیم ساعت، سه ربع یا یک ساعت دیگر، دوباره بلند شوی؛ دو رکعت دیگر نماز بخوانی؛ اندکی دیگر فکر کنی؛ کمی دیگر ذکر کنی و باز بخوابی. دوباره نیم ساعت، سه ربع دیگر... به همین شکل بریده بریده؛ شب را پیوسته نخوابی و تگه تگه کنی. بین این تگه ها هم بیداری، ذکر، عبادت، نماز و تلاوت قرآن قرار دهی. «تَهَجُّد» به این معنی است. کسی که فقط برای سحر و نمازشب خواندن بیدار می شود، «مُتَهَجِّد» نیست. «تَهَجُّد» یعنی به این شکل بریده بریده عمل کردن؛ یعنی شب را این طور بریدن. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این کار را می کردند. «تَهَجُّد»، که زمینه ی رسیدن به مقام محمود و ستوده شده ی در پیشگاه خدای متعال است (که اگر بخواهم وارد این موضوع شوم که خود مقام محمود چیست، حرف های بسیاری است. اجازه بدهید عبور کنیم. امیدوارم خودتان سراغ تفاسیری بروید که هم روایات و هم مطالب عرفانی را دارد. نکته های زیادی ذیل این آیات وجود دارد.)؛ بستر همه ی آنها هم لیل است. همان طور که موسی عَلَيْهِ السَّلَام در لیل به ملاقات و مکالمه ی با خدا نائل شدند؛ پیغمبر خاتم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم در لیل به مقام محمود نائل گردیدند؛ که مقام محمود، بسیار بالاتر از مقام تکلمی است که موسی عَلَيْهِ السَّلَام به آن نائل شده اند.

آیه ی دوّم سوره ی مزّمّل: فرمود: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»^{۶۵} «(ای پیغمبر ما!) شب را نماز به پا دار؛ بیدار باش و از بسترت برخیز مگر اندکی از آن را».

^{۶۵}. سوره ی مزّمّل، آیه ی ۲.

آیه‌ی شش سوره‌ی مُزَّمِل: فرمود: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيَالًا»^{۶۶} «عبادت‌نی که در لیل انجام می‌شود، گام استوارتری (در مسیر سلوک‌الی‌الله) است و سخن باقوام‌تر و بااستحکام‌تر است»؛ یعنی ادّعی پوچ و توخالی نیست. بدانید! سالکی که با شب رابطه‌ای نداشته باشد، سالک توخالی است و ادّعا، تخیل و توهم است! لیل هم چه به معنای شب طبیعت، که رفیق و انیس شب باشد و چه لیل، به معنی حقیقت فاطمی علیها السلام؛ هر دوی آنها مقصود است. به‌هرحال، «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ» عبادت‌نی که در لیل اتفاق می‌افتد، عبادت محکم‌تر و گام استوارتری در مسیر سلوک‌الی‌الله است؛ «أَشَدُّ وَطْئًا» است؛ «وَ أَقْوَمُ قِيَالًا» است و سخن محکم‌تر و باقوام‌تری است.

آیه‌ی بیست سوره‌ی مُزَّمِل: فرمود: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنْ اللَّيْلِ مَعَكَ»^{۶۷} ای پیغمبرخاتم! خدا می‌داند که تو شب‌ها برمی‌خیزی؛ تمام شب را نمی‌خوابی؛ دوسوم، یا نیمی و یا ثلثی از آن را بیدار هستی و گروهی هم که همراه تو هستند «مِنَ اللَّيْلِ مَعَكَ» آنها هم شب‌خیزند؛ شب، نمی‌گیرند تا صبح بخوابند. آنها هم یا دوسوم، یا نیم و یا لااقل یک‌سوم شب را بیدارند. اگر فرمود: پیغمبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نبی است، «وَ اللَّيْلِ مَعَهُ أَشَدَّ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمًا بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا»^{۶۸} اینجا به «وَ اللَّيْلِ مَعَهُ» اشاره می‌کند و می‌گوید: کسانی که با پیغمبرند «وَ طَائِفَةٌ مِنَ اللَّيْلِ مَعَكَ»، آنها اهل شب‌زنده‌داری، اهل ارتباط با شب و اهل ارتباط با حقیقت فاطمی علیها السلام هستند.

^{۶۶}. سوره‌ی مُزَّمِل، آیه‌ی ۶.

^{۶۷}. سوره‌ی مُزَّمِل، آیه‌ی ۲۰.

^{۶۸}. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹.

در آیهی هفده سورهی ذاریات؛ فرمود: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ؛ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^{۶۹}
 «کمی از شب را می‌خوابند و در سحرها استغفار می‌کنند». «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ». شب، روز
 اولیای خداست؛ به قول شاعر: «شب مردان خدا روز جهان/فروز است». کسی با حقیقت فاطمی
 آشنا گردد و انیس با شب شود، آن هنگام می‌بیند که در شب چه خبرهاست! که روز خبری از آنها
 نیست! و خوشا به حال کسانی که انیس و رفیق شب و انیس و رفیق حقیقت فاطمی هستند.

شب، بستر تسبیح و تنزیه پروردگار

آیهی صدوسی سورهی طه: «وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى»^{۷۰} «(ای پیامبر!) در هنگام
 شب و در دو کناره‌ی روز خدا را تسبیح کن؛ اگر می‌خواهی به‌مقام رضا برسی.» دو کناره‌ی روز،
 به‌شب وصل می‌شود. یک کناره‌ی آن، بین‌الطلوعین و صبح است؛ کناره‌ی دیگر هم، دم‌دم‌های
 غروب و بین غروب آفتاب و مغرب است؛ که هر دوی آنها هم، زمان‌های ویژه‌ای برای اهل سلوک
 هستند. این اوقات زمان تسبیح است. تسبیح! در شب چه حقیقتی برای سالک طلوع می‌کند، که
 تسبیح می‌کند؟! و «سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ» می‌گوید. چه چیزی را دیده؟! چه چیزی را به او نشان
 داده‌اند؟!

آیهی بیست سورهی انبیاء؛ فرمود: «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ»^{۷۱}.

^{۶۹}. سورهی ذاریات، آیه‌های ۱۷ و ۱۸.

^{۷۰}. سورهی طه، آیهی ۱۳۰.

^{۷۱}. سورهی انبیاء، آیهی ۲۰.

آیهی چهل و نه سورهی طور: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ النُّجُومِ»^{۷۲} «از شب و هنگام پشت کردن ستارگان تسبیح خدا بگو»؛ یعنی آخرهای شب که به تدریج ستاره‌ها در آسمان رنگ می‌بازند، صبح نزدیک می‌شود.

آیهی چهل سورهی ق: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ السُّجُودِ»^{۷۳} «و از شب و هنگام پشت کردن سجود تسبیح خدا کن».

آیهی سی و هشت سورهی فصلت: «فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»^{۷۴} ببینید اینجا هم لیل، بر نهار مقدّم است؛ یعنی جایی هم که می‌خواهد بر نهار تسبیح شود، مقدّم بر آن، لیل است. همچنین آیهی بیست سورهی انبیاء بود، که اشاره کردم: «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ»^{۷۵} «شب و روز را تسبیح می‌کنند و این تسبیح آنها وقفه‌ای ندارد». همین‌طور در آیهی سی و هشت سورهی فصلت، که فرمود: «فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ» «کسانی که به مقام عنداللهی و به وصال الهی رسیده‌اند». «يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» «تسبیح خدا می‌کنند، در شب و در روز». کسانی که به مقام عنداللهی می‌رسند، شب و روز آنها به یک حقیقت واحد مبدّل می‌شود. وقتی دیگران نگاه می‌کنند، برای آنها لیل و نهار است؛ اما کسانی که به مقام عنداللهی می‌رسند، به یک حقیقتی رسیده‌اند که تکثر لیل و نهار از آنان برداشته شده است.

^{۷۲}. سورهی طور، آیهی ۴۹.

^{۷۳}. سورهی ق، آیهی ۴۰.

^{۷۴}. سورهی فصلت، آیهی ۳۸.

^{۷۵}. سورهی انبیاء، آیهی ۲۰.

سجده و تلاوت قرآن در شب

آیهی صدوسیزده سورهی آل عمران: «يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ»^{۷۶} «در دل شب، در حالی که آنها در سجده هستند، آیات خدا را تلاوت می کنند». «وَ هُمْ يَسْجُدُونَ» سجده و تلاوت قرآن، در دل شب.

«أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ»^{۷۷} کسانی که اهل تسلیمند، «آنَاءَ اللَّيْلِ» در دل شب؛ «سَاجِدًا وَ قَائِمًا» در حال سجده و یا قیامند؛ و از آخرت حذر می کنند و به رحمت پروردگارشان امید می بندند.

«وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا»^{۷۸} «و از شب برای پروردگارت سجده کن و در لیل طویل خدا را تسبیح کن». در سلوک لیل طویل، مرحلهی برزخ است؛ یعنی وقتی سالک از عالم طبیعت و در حقیقت ناسوت عبور کرد و وارد برزخ سیر خود شد؛ آن لیل طویل است. البته به یک تعبیر لیل طویل، همان حقیقت لَيْلَةُ الْقَدْرِ است. «وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا» لیل طویل را تسبیح خدا کن.

^{۷۶}. سورهی آل عمران، آیهی ۱۱۳.

^{۷۷}. سورهی زمر، آیهی ۹.

^{۷۸}. سورهی انسان، آیهی ۲۶.

باز هم در مورد نماز. در نماز مقصد و منتهای آن، رسیدن به لیل است؛ در این هم شاید رازی باشد. حقیقت صلاة امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «أَنَا صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ [المؤمنين]»^{۷۹}. درست است؟! در آیاتِ صلاة هم منتهای لیل شده است.

آیهی صدوچهارده سورهی هود: قرآن فرمود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ»^{۸۰}. یعنی به کمک امیرالمؤمنین علیه السلام، می توان به محضر فاطمه‌ی زهرا علیها السلام راه پیدا کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می تواند دست سالک را بگیرد و او را به حقیقتِ فاطمی علیها السلام، مُشَرَّفَ کند.

یا آیهی هفتادوهشت سورهی اسراء: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»^{۸۱} ببینید، در این آیه هم انتها لیل است. فرمود: «هنگام زوال شمس تا تاریکی لیل نماز را به پا بدار». مقصد و انتها لیل است.

در صیام هم همین طور است. در روایات داریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ الصَّوْمُ وَ أَنَا الصَّلَاةُ». آن طرفی آن را هم داریم: «أَنَا الصَّوْمُ وَ أَنْتَ الصَّلَاةُ» به هر دو شکل روایت داریم. باز هم ببینید، مقصد و منتهای صیام، کجاست؟! لیل است؛ یعنی صیام وسیله‌ای است که ما به لیل برسیم.

^{۷۹}. ابن‌شاذان، الفضائل، ص ۸۴ و بحرانی، حلیة‌الایرار، ج ۲، ص ۱۲۴ و گروهی از نویسندگان، موسوعة‌الامام‌الحسین علیه السلام، ج ۲۲، ص ۳۷.

^{۸۰}. سورهی هود، آیهی ۱۱۴.

^{۸۱}. سورهی اسراء، آیهی ۷۸.

آیهی صدو هشتاد و هفت سورهی بقره. فرمود: «**ثُمَّ آتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ**»^{۸۲} سپس صیام خودتان را تمام و کامل کنید، به سوی لیل. پس صیام، صوم و بهره‌گیری از حقیقتِ صیام، که وجود مقدّس پیغمبر اکرم یا امیر مؤمنان علیه السلام باشد، ما را به چه می‌رساند؟! منتهای صیام چیست؟! «**ثُمَّ آتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ**» به حقیقت فاطمی علیها السلام.

خواستیم سیری در آیات لیل داشته باشیم. از آیات قرآن به جایگاه لیل هم در تکوین، هم در سیر و سلوک انبیاء علیهم السلام و هم در عبادات، مؤمنان اشاره‌ای برایتان کردم. امیدوارم خود شما بروید و بررسی کنید، یعنی چه وجود مقدّس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بر شمس و قمر، یعنی بر نبوت و ولایت مقدّم است؟! چون شمس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند!

«**وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا؛ وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَاها**»^{۸۳} ذیل آن حدیث داریم، شمس وجود مقدّس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و قمر هم، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام است.^{۸۴} «**وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَاها**» «سوگند به قمر، هنگامی که تَلُو او، یعنی بدون فاصله پس از او، می‌آید». این نشان می‌دهد امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه‌ی چهارم نیست؛ بلکه بلافاصله بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله خلافت دارد. به هر حال، شمس، وجود مقدّس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ قمر، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ اما لیل، بر آنها مقدّم است. مقدّم بودن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بر آنها به چه معناست؟! مقداری بر این امور تأمل کنیم؛ ان شاء الله

^{۸۲}. سورهی بقره، آیهی ۱۸۷.

^{۸۳}. سورهی شمس، آیه‌های ۱ و ۲.

^{۸۴}. کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۶۱ و مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۸۹ و ج ۲۴، ص ۷۴ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۸۳.

نکته‌های قشنگی از آن به دست می‌آید و انسان نکته‌های بسیار عبرت‌آموز و رشد‌دهنده‌ای را می‌تواند از آن به دست آورد.

لیل بودن حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در روایات

لیل بودن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در روایات هم نگاه کنید. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام تعبیر به شَعْرَه شده‌اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَاطِمَةُ شَعْرَةٌ مَنِيَّ»^{۸۵} فاطمه، موی من است؛ گیسوی من است. گیسو، سیاه است، در برابر چهره که سپید است. گیسو، لیل است؛ «شَبِّ زَلْفٍ اسْتِ وَ رَوْزِ چهره‌ی دوست». فرمود: «فَاطِمَةُ شَعْرَةٌ مَنِيَّ» فاطمه علیها السلام گیسو هستند.

وجود مقدس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام حقیقت رازآلود دستگاه کبریایی است؛ یک حقیقت ناشناخته، رمزآلود، رازآلود و دسترسی ناپذیر. نه قدر ایشان شناخته شد، و نه قبر ایشان. لذا فاطمه علیها السلام با لیل، ارتباط ویژه‌ای دارند! در آخرین ساعات عمرشان هم به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمودند: «يَا عَلِيُّ! حَنَطْنِي وَ غَسَّنِي وَ كَفَّنِي بِاللَّيْلِ ... وَ اذْفِنِي بِاللَّيْلِ»^{۸۶} «علی! شبانه مرا غسل بده؛ شبانه مرا کفن کن و شبانه مرا به خاک بسپار و دفن کن». حقیقت فاطمی علیها السلام با لیل تجانس ویژه‌ای دارد. وجود مقدس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سر بزرگ دستگاه خلقت است و از ایشان در قرآن کریم، به لیل تعبیر شده است؛ همه‌ی انبیاء و اولیاء علیهم السلام از لیل بهره برده‌اند و همه‌ی سالکان الی‌الله، در لیل به نتیجه و مقصد می‌رسند. کسی از روز به جایی نرسید، هر که رسید از دل شب رسید. امیدوارم خدای متعال، هم در حقیقت باطنی، ما را با حقیقت باطنی لیل، که وجود مقدس صدیقه‌ی کبری علیها السلام است، مرتبط

^{۸۵}. مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۵۴، و اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۶۷ و بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۴۹.

^{۸۶}. مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۲۱۴ و بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۰۹۲.

و متصل فرماید و هم در جنبه‌ی ظاهری، ما را آنیس شب و اهل دوستی و رفاقت با اوقات زیبای شب، خصوصاً سحرگاهان قرار دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ